

## **A Study of The Entire Obligations Rule in the Common Law System with a Look at Iranian Law**

**Mahdi Nasiri\***

*MA. Student in Private Law, Faculty of Islamic Studies and Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran*

**Seyed Mostafa Sa'adat Mostafavi**

*Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran*

(Email: m.mostafavi@isu.ac.ir)

(Received: 2021/04/18, Accepted: 2021/09/14)

### **Abstract**

In all legal systems, there is no difference in that the obligor must fulfill his obligation in full and in accordance with the conditions stipulated in the contract, but sometimes for some reasons the obligor cannot fulfill his obligation completely and accurately and the obligation remains incomplete. In the common law system, the first thing that is usually said under the discharge by performance is that the performance must be precise and exact. But is the obligation precisely and exactly implemented in all cases? The answer is definitely no. Because sometimes, for some reasons such as the frustration, breach, etc., the obligor cannot perform the contract completely and accurately, and the contract remains incomplete. In this situation, is the other party obliged to fulfill his obligation in return for incomplete work? In other words, should a person who has performed his obligation incompletely be paid? What to do in this situation? Should we support a person who has fulfilled his obligation incompletely? Or should the other party be supported and not the person who has partially fulfilled his obligation? Or should we accept a way in which the rights of both parties are protected? If we support a person who has fulfilled his obligation incompletely, people will not have enough motivation to complete their contract and can easily break the contract. In addition, the whole contract is desirable for the person, not part of the contract. And if we support the other side and pay nothing to the person who has fulfilled his obligation incompletely, fairness and justice may be violated, Because the obligor has performed part of the contract and it is unfair that nothing be paid to him, as we will see in the case of *Cutter v Powell*. Therefore, a solution must be adopted in which the rights of both parties to the contract are guaranteed. In the common law system, contracts are discharged in various forms, including discharge by performance, discharge by agreement, discharge by breach, discharge by frustration. One of the rules that is usually discussed under the topic of discharge by performance is the entire obligations rule. this rule is one of the oldest rules in the common law system, dating back to 1795 and the *Cutter v Powell* case. In this case A sailor had contracted to serve on a ship travelling from Jamaica to Liverpool. He was to be paid 30 guineas for the voyage,

---

\* Corresponding Author, Email: mahdinasiri@isu.ac.ir, Fax: +982532913024

payable when the ship arrived in Liverpool, but he died during the journey. His widow sued for his wages up until his death, but her claim was unsuccessful. The court held that the contract required entire performance and, as he had not completed performance, she could claim nothing. Most authors have described this rule as a harsh rule. And for this reason, exceptions to this rule have been made over time. Including substantial performance, divisible contracts, voluntary acceptance of partial performance, prevention of performance and tender of performance. Most authors refer to this rule as the entire obligations rule. other titles have also been used for this rule, such as the entire performance rule or the strict rule on performance or the entire contracts rule .There is no rule in Iranian law under this heading. However, issues such as the indivisibility of obligations, the indivisibility of lien, the desired unity and obligation to achieve a certain result are similar to this rule. The response of the common law system to this situation does not fully ensure justice and has flaws that can be seen in the case of *Cutter v Powell*. Similarly, Iranian law does not provide a comprehensive answer to this situation. Therefore, in this article, a comprehensive solution will be expressed in case of incomplete or partial fulfillment of the obligation.

**Keywords**

Entire Obligations, Common Law, Substantial Performance, Divisible Contracts, *Cutter v Powell*.

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۱۲، شماره ۲

پاییز و زمستان ۱۴۰۰

صفحات ۶۹۱ تا ۷۱۸ (علمی - پژوهشی)

## مطالعه قاعده تعهدات یکپارچه در نظام حقوقی کامن لا با

### نگاهی به حقوق ایران

مهدی نصیری\*

دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)،

تهران، ایران

سید مصطفی سعادت مصطفوی

دانشیار و مدیر گروه حقوق خصوصی دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق

(علیه السلام)، تهران، ایران

(Email: m.mostafavi@isu.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۳

### چکیده

در تمامی نظام‌های حقوقی در اینکه متعهد می‌بایست تعهد خود را به‌طور کامل و مطابق با شرایط مقرر در قرارداد انجام دهد اختلافی به چشم نمی‌خورد، اما گاهی به دلایلی متعهد نمی‌تواند تعهد خود را کامل و دقیق انجام دهد و تعهد نیمه‌تمام می‌ماند. در این حالت بحث‌های حقوقی مبنی بر اینکه آیا طرف مقابل ملزم به اجرای تعهد خود در قبال کار ناقص یا جزئی متعهد است یا خیر، شکل می‌گیرد. در نظام حقوقی کامن لا به‌موجب قاعده تعهدات یکپارچه، شخصی که تعهد خود را به صورت ناقص یا جزئی انجام می‌دهد، مستحق هیچ اجرتی نیست. البته به دلیل رویکرد سخت‌گیرانه این قاعده، استثناهایی بر آن وارد شده است؛ از جمله اجرای عمده قرارداد، قراردادهای تفکیک‌پذیر، قبول داوطلبانه اجرای جزئی، جلوگیری از اجرا و پیشنهاد اجرای قرارداد. در حقوق ایران قاعده‌ای تحت این عنوان شناخته نشده است؛ هرچند مباحثی همچون تجزیه‌ناپذیری تعهدات، تجزیه‌ناپذیری حق حبس، وحدت مطلوب و تعهد به نتیجه به این قاعده شباهت دارند. پاسخ نظام حقوقی کامن لا به این وضعیت به‌طور کامل تأمین‌کننده عدل و انصاف نیست و دارای ایراداتی است که در پرونده «کاتر و پاول» نیز قابل مشاهده است. همین‌طور در حقوق ایران نیز راه‌حل جامعی برای این وضعیت پیش‌بینی نشده است. به همین جهت در این مقاله به بیان راهکاری جامع در فرض اجرای ناقص یا جزئی تعهد پرداخته خواهد شد.

### واژگان کلیدی

اجرای عمده قرارداد، تعهدات یکپارچه، قراردادهای تفکیک‌پذیر، کاتر و پاول، کامن لا.

## مقدمه

در نظام حقوقی کامن‌لا معمولاً اولین نکته‌ای که ذیل بخش اجرا (Performance) در حقوق قراردادهای گفته می‌شود این است که اجرا باید دقیق و کامل باشد (Performance must be precise and exact) (Fafinski, 2017: 168; Charman, 2007: 211). اما آیا در همه موارد تعهد به‌طور کامل و دقیق اجرا می‌شود؟ پاسخ قطعاً منفی است، چراکه گاهی اوقات به دلایلی از جمله قوه قاهره، تعذر، تعسر و نقض (Breach)، متعهد نمی‌تواند قرارداد را به‌طور کامل و دقیق اجرا کند و قرارداد به صورت نیمه‌تمام یا ناقص باقی می‌ماند. در این حالت سؤالی شکل می‌گیرد مبنی بر اینکه آیا در برابر آن میزان از قرارداد که اجرا شده است طرف مقابل ملزم به اجرای تعهد خود می‌باشد؟ به عبارت دیگر، آیا متعهد مستحق دریافت اجرت در قبال کار ناقص یا نیمه‌تمام خود است یا خیر؟ در این حالت چه باید کرد؟ آیا باید جانب شخصی را گرفت که به‌طور ناقص به تعهد خود عمل کرده و متعهدله را به اجرای تعهد خود در برابر بخش انجام‌شده ملزم دانست؟ یا باید جانب متعهدله را گرفت و حکم به بی‌حقی شخصی داد که به‌طور ناقص یا جزئی به تعهد خود عمل کرده است؟ یا باید شیوه‌ای اتخاذ کرد که در آن حقوق طرفین حفظ شود؟ پذیرش هر یک از رویکردهای پیش‌گفته تأثیرات متفاوتی خواهد داشت. در نظام حقوقی کامن‌لا خاتمه قراردادهای (Discharge of Contract) به اشکال مختلفی صورت می‌گیرد، از جمله خاتمه قرارداد از طریق اجرای قرارداد (Discharge by Performance)، خاتمه قرارداد از طریق توافق (اقاله) (Discharge by Agreement)، خاتمه قرارداد با نقض قرارداد (Discharge by Breach) و خاتمه قرارداد با غیرممکن شدن قرارداد (Discharge by Frustration). یکی از موضوعاتی که معمولاً در ذیل مبحث اجرای تعهدات مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، قاعده تعهدات یکپارچه (The Entire Obligations Rule) است که به همراه استثناهایی که بر آن وارد شده، بیانگر پاسخ سؤالات پیش‌گفته است. تا آنجا که در حقوق ایران جستجو شده، تاکنون بررسی این قاعده و استثناهای آن به صورت مستقل و تحت این عنوان پیشینه‌ای نداشته است. هرچند در برخی آثار<sup>۱</sup> به صورت پراکنده به بعضی از مباحث این مقاله به صورت مختصر اشاره شده است. در این مقاله ابتدا این قاعده در نظام حقوقی کامن‌لا معرفی می‌شود. پس از آشنایی با مفهوم و مبنای این قاعده، نگاهی به موضع حقوق ایران در این خصوص خواهیم داشت. سپس به بررسی استثناهای قاعده و مطالعه تطبیقی هر یک از آنها و در نهایت، راهکاری جامع در فرض اجرای ناقص یا جزئی قرارداد متناسب با مبانی حقوق ایران و فقه امامیه ارائه خواهد شد.

۱. صفایی و سلطان احمدی، ۱۳۸۹: ۱۶۶-۱۴۹؛ فرزانه و چرخ‌کوهگرد، ۱۳۹۸: ۳۷۲-۳۴۹؛ تفرشی و دیگران، ۱۳۸۷: ۹۳-۱۱۲؛ کاوند، ۱۳۸۹: ۱۱۹-۱.

## ۱. بررسی قاعده تعهدات یکپارچه در نظام حقوقی کامن لا

### ۱.۱. پیشینه تاریخی و لغت‌شناسی

قاعده تعهدات یکپارچه یکی از قواعد قدیمی در نظام حقوقی کامن لا است که منشأ آن به سال ۱۷۹۵ و پرونده «کاتر و پاول» برمی‌گردد. اکثر حقوق‌دانان این قاعده را به‌عنوان یک قاعده سخت توصیف کرده‌اند (Davies, 2009: 299; Elliott and Quinn, 2009: 299; Monaghan, 2013: 120; Stone, 2009: 564; McKendrick, 2019: 408; Rush and Ottley, 2006: 101, 2018: 373). و به (Finch and Fafinski, 2017: 168; Richards, 2007: 343; O'Sullivan, 2020: 430). همین دلیل استثناهایی بر این قاعده در طول زمان وارد شده است. اکثر نویسندگان این قاعده را با عنوان (The Entire Obligations Rule) شناخته‌اند (Monaghan, 2013: 120; McKendrick, 2019: 407; Andrews and others, 2017: 307; Poole, 2016: 355; Stone, 2015: 176; O'Sullivan, 2020: 430). واژه «Entire» به معنی کامل، تمام، یکپارچه و یک‌تکه (آریان‌پور کاشانی، ۱۳۸۲: ۷۴۸) و «obligation» هم که واژه‌ای پرکاربرد و آشنا در حقوق است به معنی تعهد، الزام و ذمه است (آریان‌پور کاشانی، ۱۳۸۲: ۱۵۶۴). اصطلاح «Entire Obligations» در کل به معنای تعهدات تفکیک‌ناپذیر و غیرقابل تکه‌تکه شدن است. تعهداتی که اجرای کامل و دقیق آن شرط مقدم (Condition Precedent) مسئولیت طرف مقابل است (Chitty, 2017: 21-028; Peel, 2015: 17-031). بنابراین این قاعده را می‌توان قاعده تعهدات یکپارچه یا یکپارچگی تعهدات (کریس موناگان و نیکولا موناگان، ۱۳۹۶: ۱۷۲) یا تعهدات کامل ترجمه کرد. البته عناوین دیگری نیز در خصوص این قاعده استفاده شده است، مانند «The Entire Performance Rule» (Elliott and Quinn, 2009: 298) یا «The strict rule on performance» (Turner, 2007: 179) و یا «The Entire Contracts Rule» (Richard Taylor & Damain Taylor, 2019: 325) که همگی آنها بیانگر یک مفهوم هستند.

### ۱.۲. بیان مفهوم قاعده

طبق این قاعده تعهد باید به‌طور کامل و دقیقاً مطابق آنچه در قرارداد ذکر شده است انجام شود. اگر متعهد نتواند تعهد خود را به‌طور کامل و دقیق انجام دهد، طرف مقابل الزامی به اجرای تعهد خود در برابر آن میزان از کاری که انجام شده است ندارد و می‌تواند از اجرای تعهد خود تا اجرای کامل تعهد امتناع کند. بنابراین شخصی که تعهد خود را به صورت ناقص یا جزئی انجام داده است، مستحق هیچ چیز نخواهد بود. حتی برای آن مقداری که به تعهد خود عمل کرده است (Elliott and Quinn, 2009: 298; Andrews and others, 2017: 307).

1. Cutter v Powell (1795) 6 TR 320; 101 ER 573

McKendrick, 2019: 407). چراکه فرض بر این است که مطلوب متعهدله اجرای کامل و دقیق قرارداد است و اجرای ناقص قرارداد مطلوبیتی برای او ندارد. عدم تکمیل قرارداد ممکن است ناشی از نقض قرارداد و یا فراستریشن (Frustration) باشد که در هر صورت مشمول این قاعده خواهد بود و در هر دو حالت هیچ اجرتی به شخص متعهد تعلق نخواهد گرفت (Andrews and others, 2017: 309). هم در پرونده «کاتر و پاول» و هم در پرونده «اپلبی و مایرز» که در ادامه مورد بررسی قرار خواهند گرفت، شخص متعهد به دلیل فراستریشن یا غیرممکن شدن اجرای قرارداد نتوانسته است تعهد خود را به طور کامل انجام دهد و تعهد نیمه تمام باقی مانده و در هر دو پرونده دادگاه خواهان را مستحق دریافت هیچ مبلغی ندانسته است. بنابراین وقتی این قاعده در حالتی که قرارداد عقیم شده و شخص متعهد هیچ تقصیری ندارد اجرا می شود، می توان نتیجه گرفت که به طریق اولی در حالتی که متعهد به اراده خود و بدون آنکه عامل خارجی در اجرای تعهد اخلاقی ایجاد نماید قرارداد را نقض می کند این قاعده اجرا می شود و او هیچ حقی نسبت به طرف مقابل ندارد.

منشأ این قاعده را می توان در پرونده «کاتر و پاول» جستجو کرد. در این پرونده شخصی به نام کاتر از سوی ناخدای یک کشتی به نام پاول به عنوان افسر دوم در یک سفر دریایی از جامائیکا تا لیورپول در ازای دریافت سی پوند استخدام می شود، ولی کاتر قبل از اتمام سفر فوت می کند. همسر او جهت دریافت اجرت اعمال انجام شده تا قبل از مرگ او طرح دعوا می کند، ولی دادگاه او را مستحق هیچ اجرتی نمی داند (Monaghan, 2013: 120). حال چه دلیلی باعث شده است که دادگاه چنین رأی سخت گیرانه ای بدهد؟ در این خصوص چندین استدلال مطرح شده است. یکی از استدلال ها این است که دستمزد انجام وظیفه به عنوان افسر دوم کشتی تا لیورپول هشت پوند بوده است، در حالی که دستمزد کاتر در قرارداد سی پوند مقرر شده بود؛ یعنی تقریباً چهار برابر حالت عادی. از این مسئله چنین برداشت شده است که در واقع کاتر این ریسک را پذیرفته بود که چنانچه تعهد خود را به طور کامل انجام دهد سی پوند دریافت کند و در صورت عدم اتمام تعهدش مستحق هیچ مبلغی نباشد. قاضی کنیون (Lord Kenyon CJ) نیز این توافق را نوعی بیمه می دانست (Stone, 2009: 564; Poole, ). (Ashhurst J) معتقد بود (Andrews and others, 2017: 309; 2016: 355). قاضی آشورست (Beale and others, 2008: 557). در متن این قرارداد که از آنجایی که نمی توان فهمید که آیا بین بازرگانان در این گونه قراردادها عرف خاصی حاکم بوده است یا نه، بنابراین چاره ای جز رجوع به متن قرارداد نیست. در نظر او با مراجعه به متن قرارداد می توان برداشت کرد که این یک قرارداد یکپارچه بوده و تکمیل قرارداد شرط مقدم پرداخت اجرت به آقای کاتر بوده است یا خیر (Beale and others, 2008: 557). در متن این قرارداد که

در تاریخ ۳۱ جولای ۱۷۹۳ در شهر کینگستون (پایتخت کشور جامائیکا) نوشته شده، پاول متعهد شده است که ده روز پس از آنکه کشتی به لیورپول برسد به آقای تی کاتر در مجموع مبلغ سی پوند پرداخت کند به شرط آنکه او وظیفه خود را به عنوان افسر دوم در کشتی یادشده از کینگستن تا بندر لیورپول انجام دهد به نظر می‌رسد آنچه باعث شده است که این قرارداد به عنوان یک قرارداد یکپارچه تفسیر شود بخش انتهایی قرارداد است که پرداخت سی پوند را مشروط به انجام وظیفه از جامائیکا تا لیورپول کرده است، و از آنجایی که کاتر نتوانسته بود تعهد خود را تا لیورپول انجام دهد مستحق هیچ اجرتی شناخته نشد.

در اینکه کاتر حقی نسبت به دریافت سی پوند مقرر در قرارداد نداشته است، بحثی وجود ندارد. چراکه او نتوانسته بود تعهد خود را تا انتها انجام دهد. اما آیا می‌توان از متن این قرارداد برداشت کرد که کاتر استحقاقی به دریافت اجرت‌المثل هم ندارد؟ به هر ترتیب، کاتر وظیفه خود را از تاریخ ۲ آگوست تا زمان مرگش یعنی ۲۰ سپتامبر انجام داده بود و پاول در این مدت از عمل کاتر منتفع شده بود و عرف و انصاف حکم می‌کند که همسرش بتواند دستمزد عمل شوهرش در این مدت را دریافت کند، به خصوص آنکه یک عامل غیرارادی، یعنی مرگ کاتر، مانع اتمام تعهد او شده است. اما دادگاه او را مستحق دریافت هیچ مبلغی ندانست، چراکه دادگاه این قرارداد را یک قرارداد یکپارچه تفسیر کرد که قبل از اتمام تعهد هیچ مبلغی به کاتر پرداخت نمی‌شد. برخی حقوق دانان معتقدند اگر این پرونده امروزه مطرح می‌شد، همسر کاتر می‌توانست به دلیل مرگ شوهرش و استناد به دکترین فراستریشن و بخش ۱(۳) از قانون «The Law Reform (Frustrated Contracts) Act 1943» اجرت عمل شوهرش را تا زمان مرگ دریافت کند (Richard Taylor & Andrews, 2015: 475; Rush and Ottley, 2006: 101). اما دیدگاه دیگری نیز در خصوص این مسئله یعنی پرداخت اجرت‌المثل به همسر کاتر وجود دارد. طبق این دیدگاه پرداخت اجرت‌المثل به همسر کاتر

1. Ten days after the ship Governor Parry, myself master, arrives at Liverpool, I promise to pay to Mr. T. Cutter the sum of thirty guineas, provided he proceeds, continues and does his duty as second mate in the said ship from hence to the port of Liverpool. Kingston, July 31st, 1793.
2. Where any party to the contract has, by reason of anything done by any other party thereto in, or for the purpose of, the performance of the contract, obtained a valuable benefit (other than a payment of money to which the last foregoing subsection applies) before the time of discharge, there shall be recoverable from him by the said other party such sum (if any), not exceeding the value of the said benefit to the party obtaining it, as the court considers just, having regard to all the circumstances of the case and, in particular,—
  - (a) the amount of any expenses incurred before the time of discharge by the benefited party in, or for the purpose of, the performance of the contract, including any sums paid or payable by him to any other party in pursuance of the contract and retained or recoverable by that party under the last foregoing subsection, and
  - (b) the effect, in relation to the said benefit, of the circumstances giving rise to the frustration of the contract.

ممکن است توزیع ریسک بین افراد را مختل کند؛ چراکه توافق کاتر با پاول این‌گونه بوده است که در صورت انجام تعهد خود به‌طور کامل، مبلغ بیشتری دریافت کند و در غیر این صورت هیچ مبلغی به او تعلق نگیرد و کاتر این ریسک را پذیرفته بود و حقوق نباید به توافق افراد لطمه‌ای وارد کند (Richard Taylor & Damain Taylor, 2019: 328).

همین موضع یعنی حکم به عدم استحقاق خواهان به دریافت هیچ مبلغی در پرونده «پلوسی و مایرز»<sup>۱</sup> نیز اتخاذ شده است. در این پرونده خواهان متعهد شده بود که در کارخانه خواننده ماشین‌آلاتی (ماشین بخار) نصب کند و از برخی ماشین‌آلات به مدت دو سال نگهداری کند و پرداخت مبلغ مقرر در قرارداد نیز به بعد از تکمیل قرارداد موکول شده بود. پس از آنکه خواهان بخش عمده تعهد خود را اجرا و برخی از ماشین‌آلات را نصب کرد، یک آتش‌سوزی تصادفی باعث نابودی کارخانه و ماشین‌آلات شد و به همین دلیل اجرای تعهد خواهان نیز غیرممکن گردید. خواهان جهت دریافت اجرت قرارداد طرح دعوا کرد و دادگاه او را مستحق دریافت هیچ اجرتی ندانست، چرا که پرداخت مبلغ مقرر در قرارداد به بعد از تکمیل قرارداد موکول شده بود و در واقع این یک تعهد یکپارچه بود (McKendrick, 2019: 292; Poole, 2016: 570; Andrews and others, 2017: 309,330; Richard Taylor and Damain Taylor, 2019: 283).

این پرونده معمولاً یا ذیل مبحث قاعده تعهدات یکپارچه و یا ذیل مبحث فراستریشن (چراکه آتش به‌عنوان یک عامل خارجی باعث غیرممکن شدن قرارداد شده است) و به‌طور دقیق‌تر ذیل مبحث منفعت ارزشمند (Valuable Benefit) که یکی از مباحثی است که در بخش فراستریشن مورد مطالعه قرار می‌گیرد مطرح می‌شود. اصطلاح منفعت ارزشمند در بخش ۱(۳) از قانون «The Law Reform (Frustrated Contracts) Act 1943» بیان شده است. به این معنا که شخصی که قبل از غیرممکن شدن قرارداد به سبب فراستریشن از عمل دیگری منتفع می‌شود و یک منفعت ارزشمند کسب می‌کند می‌بایست به میزانی که از عمل او منتفع شده است تعهد خود را اجرا کند. این بخش از قانون یادشده چندین ابهام دارد. اولین ابهام در خصوص مفهوم منفعت است که منجر به اختلاف نظر در این خصوص شده است. برخی از جمله قاضی رابرت گاف (Robert Goff J) معتقد بودند که منفعت به معنای محصول نهایی (End Product) است. طبق این تفسیر از منفعت، از آنجایی که در این پرونده محصول نهایی به سبب آتش‌سوزی نابود شده بود، خواهان مستحق دریافت هیچ مبلغی از قرارداد نبود. البته این تفسیر از منفعت مورد انتقاد حقوق‌دانان قرار گرفته است. تفسیر دیگر از منفعت به محصول نهایی توجهی ندارد، بلکه به ارزش خدماتی که طرف قرارداد قبل از فراستریشن از آن منتفع شده است توجه دارد و به بعد از فراستریشن کاری ندارد. طبق این تفسیر در پرونده یادشده خواهان

1. Appleby v Myers (1867) LR 2 CP 651



می توانست به میزانی که طرف مقابل از عمل او منتفع شده بود اجرت عمل خود را دریافت کند. ابهام دیگر در خصوص نحوه ارزیابی و تقویم مبلغ عادلانه (Just Sum) بوده که بحث‌هایی نیز در این خصوص شکل گرفته است (Richard Taylor & Damain Taylor, 2019: 283; McKendrick, 2019: 292-293; Chitty, 2017: 23-084, 23-085, 23-086, 23-087; Peel, 2015: 19-101, 19-102, 19-103).

نکته دیگر در خصوص عنوان این قاعده است که آیا «قرارداد یکپارچه» (Entire Contract) عنوان صحیحی برای این قاعده است یا «تعهد یکپارچه» (Entire Obligation)؟ برخی معتقدند که «قرارداد یکپارچه» اشتباه است و «تعهد یکپارچه» صحیح می‌باشد، چراکه در قرارداد تعهدات متعددی ممکن است وجود داشته باشد و بعید است که اجرای کامل و دقیق تمامی تعهدات شرط مقدم مسئولیت طرف مقابل باشد. برای مثال، تعهد کاتر نسبت به اتمام تعهد، یکپارچه و تام بود، اما تعهد او نسبت به اعمال مراقبت معقول، بعید است که یکپارچه بوده باشد. بنابراین طبق این نظر، چنانچه کاتر تعهد خود را به اتمام می‌رساند اما به شکل نامطلوب، به نظر می‌رسد او مستحق اجرت عمل خود بود، اما طرف مقابل نیز می‌توانست به دلیل اجرای ناقص قرارداد طرح دعوا کند (Beatson and others, 2020: 449; Peel, 2015: 17.037). ولی برخی دیگر معتقدند در بعضی پرونده‌ها تفاوت چندانی بین تعهد یکپارچه و قرارداد یکپارچه وجود ندارد؛ برای مثال در قرارداد ساخت یک گاراژ، تعهد سازنده یک تعهد یکپارچه است و حق دریافت اجرت تا قبل از اتمام ساخت گاراژ را ندارد. در این مثال بین تعهد یکپارچه و قرارداد یکپارچه تفاوتی به چشم نمی‌خورد و می‌توان هر دو اصطلاح را در خصوص این پرونده به کار برد. ولی در مواردی که تعهدات متعددی ذیل یک قرارداد وجود دارد و با تکمیل هر بخش، شخص مستحق دریافت مبلغ آن بخش می‌شود، بین تعهد یکپارچه و قرارداد یکپارچه تفاوت را می‌توان مشاهده کرد. در واقع، منظور این است که در قراردادهای تفکیک‌پذیر که تعهدات متعددی ذیل قرارداد وجود دارد هر تعهد یک تعهد یکپارچه محسوب می‌شود و شخص قبل از اتمام آن تعهد نمی‌تواند ادعایی داشته باشد، ولی قرارداد را نمی‌توان یک قرارداد یکپارچه دانست و این قرارداد یک قرارداد تفکیک‌پذیر است؛ علی‌رغم اینکه تعهدات ذیل آن یکپارچه است (McKendrick, 2019: 408; Chitty, 2017: 21-029).

### ۳.۱. مبانی قاعده

قاعده تعهدات یکپارچه هرچند در مواردی ممکن است سخت‌گیرانه باشد و یک قاعده نامطلوب و به دور از انصاف و عدالت به نظر برسد ولی مزیت‌هایی نیز دارد که بقای این قاعده را تقویت می‌کند. در توجیه این قاعده چندین استدلال مطرح شده است. اولین استدلال این است که فردی که وارد قراردادی می‌شود انتظار دارد که قرارداد به صورت کامل و دقیق انجام شود و

مطلوب او اجرای کل قرارداد به طور کامل است و نه جزء آن. او با این نیت وارد قرارداد نشده است که در برابر انجام بخشی از تعهد ملزم به پرداخت قسمتی از مبلغ قرارداد به طرف مقابل باشد و نباید اجبار به پرداخت در برابر تعهدی شود که با آنچه توافق کرده بودند متفاوت است. این استدلال به حقوق متعهدله نیز توجه می‌کند و یک‌جانبه به مسئله نگاه نمی‌کند، چراکه متعهدله نیز حقوقی دارد و حق اوست که به قرارداد و خواسته او که اجرای کامل قرارداد است احترام گذاشته شود. دومین استدلال این است که این قاعده افراد را پایبند قراردادهای خود می‌کند و یک انگیزه قوی جهت تکمیل و اجرای کامل تعهد خود به آنها می‌دهد. چراکه می‌دانند در صورت عدم تکمیل قرارداد نمی‌توانند طرف مقابل را وادار به اجرای بخشی از تعهد خود کنند و مستحق دریافت هیچ مبلغی از قرارداد نخواهند بود، به همین دلیل سعی خواهند کرد که قرارداد را به طور کامل انجام دهند. بنابراین این قاعده به استحکام قراردادهای و عدم نقض آن کمک می‌کند. سومین دلیل که می‌توان در توجیه این قاعده گفت این است که این قاعده باعث کاهش دعاوی قانونی می‌شود و مانند یک سپر دفاعی برای متعهدله عمل کرده، از رنج و اضطراب و تأخیر در اجرای قرارداد و هزینه‌ها در دادگاه جلوگیری می‌کند (Beatson and others, 2020: 449-450; McKendrick, 2019: 407; Andrews and others, 2017: 307).

البته از آنجایی که این قاعده در مواردی بسیار سخت‌گیرانه بود و ناعادلانه و غیرمنصفانه جلوه می‌کرد، استثناهایی در جهت تعدیل این قاعده در طول زمان وارد شده است که در ادامه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

#### ۱.۴. بررسی قاعده تعهدات یکپارچه در حقوق ایران

در حقوق ایران برعکس کامن‌لا، حقوق‌دانان به صراحت از قاعده‌ای تحت این عنوان بحث نکرده‌اند، اما موارد مشابه این مبحث را می‌توان در بحث تجزیه‌پذیر بودن یا نبودن عقود و تعهدات که یکی از آثار آن نیز در حق حبس آشکار می‌شود و همین‌طور در مبحث تعهد به نتیجه و وحدت مطلوب و تعدد مطلوب جست.

##### ۱.۴.۱. تجزیه‌پذیری یا تجزیه‌ناپذیری عقود و تعهدات

در خصوص اینکه در حقوق ایران اصل در عقود و تعهدات بر تجزیه‌پذیری است یا تجزیه‌ناپذیری، برخی معتقدند اصل بر تجزیه‌پذیری است (صفایی و سلطان احمدی، ۱۳۸۹: ۱۵۰؛ رحیمی و کریمی، ۱۳۹۱: ۶۵؛ صالحی، ۱۳۹۵: ۱۲۴؛ سیفی زیناب و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۷۹)، اما برخی دیگر بر این باورند که اصل بر تجزیه‌ناپذیری است (فرزانه و چرخ‌کی کوهگرد، ۱۳۹۸: ۳۵۱؛ کاوند، ۱۳۸۹: ۱۱۹؛ باقری و طباطبایی، ۱۳۸۳: ۹۰). به نظر می‌رسد در اینجا

برخلاف ظاهر مسئله اختلافی وجود ندارد. با این توضیح که بین مبحث «تعدد عقود» و «تجزیه تعهدات» تفاوت وجود دارد. مبحث تجزیه‌پذیری یا تجزیه‌ناپذیری تعهدات مربوط به مرحله ایفا و اجرای تعهد است، در حالی که بحث «تعدد عقود» به قابلیت یا عدم قابلیت انقسام موضوع تعهد مربوط می‌شود (کاوند، ۱۳۸۹: ۸۲؛ صفایی و سلطان احمدی، ۱۳۸۹: ۱۵۳). نظر گروه اول مبنی بر تجزیه‌پذیری، ناظر بر تعدد عقود و قابلیت یا عدم قابلیت انقسام موضوع تعهد است، و نظر گروه دوم مبنی بر تجزیه‌ناپذیری، ناظر بر مرحله اجرای تعهد می‌باشد. محل بحث این مقاله نیز مرحله ایفا و اجرای تعهد است، نه تعدد عقود. تجزیه‌ناپذیری در مقام اجرای تعهد به این معناست که تعهد می‌بایست به‌طور کامل و دقیق اجرا شود و ایفای جزئی یا ناقص قابل قبول نیست و متعهد برای بری‌الذمه شدن می‌بایست تعهد خود را به‌طور کامل انجام دهد و اجرای جزئی از تعهد سبب معافیت او نخواهد شد. مواد ۲۷۷، ۵۶۷ و ۷۸۳ قانون مدنی، بند هـ ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۳۴۸ قانون تجارت می‌تواند از مؤیدات تجزیه‌ناپذیری تعهدات و به‌اصطلاح نظام حقوقی کامن‌لا از مصادیق تعهدات یکپارچه باشد. علاوه بر مواد یادشده به مواد ۲۱۹، ۳۸۵، ۴۱۲ و ۴۴۱ قانون مدنی نیز استناد شده است (کاوند، ۱۳۸۹: ۹۵-۹۱). همین‌طور می‌توان اصل وفای به عهد، اصله‌اللزوم و عقل را نیز از مؤیدات تجزیه‌ناپذیری تعهدات دانست. یکی از آثار تجزیه‌پذیری یا تجزیه‌ناپذیری عقود و تعهدات در مبحث حق حبس آشکار می‌شود که شباهت زیادی به موضوع مقاله حاضر دارد؛ به این صورت که اگر یکی از طرفین قرارداد بخشی از تعهد خود را انجام دهد آیا حق حبس طرف مقابل به‌طور کامل ساقط می‌شود و می‌بایست به تعهد خود کاملاً عمل کند یا حق حبس به‌طور جزئی ساقط می‌شود، به این معنا که چنانچه متعهد به بخشی از تعهد خود عمل کند، حق حبس نسبت به آن بخش از بین رفته و طرف قرارداد در قبال بخش اجراشده حق استناد به حق حبس نداشته، می‌بایست به همان نسبت که تعهد اجرا شده است به تعهد خود عمل کند یا اینکه گفته شود حق حبس همچنان به‌طور کامل باقی است و اجرای بخشی از قرارداد سبب سقوط حق حبس طرف مقابل، نه به صورت جزئی و نه به صورت کلی، نخواهد بود. قول به سقوط حق حبس از آثار پذیرش تجزیه‌پذیری عقود و تعهدات و قول به بقای کامل حق حبس از آثار پذیرش تجزیه‌ناپذیری عقود و تعهدات است. به نظر برخی، عدالت حکم می‌کند که حق حبس به تناسب موضوع آن تجزیه شود، هرچند از نظر اصولی حق حبس غیرقابل تجربه است (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۹۹). همچنین برخی معتقدند «تجزیه حق حبس منجر به تجزیه تعهد خواهد گردید و چون در نظام حقوقی اسلام نظریه مشهور بر پایه تجزیه‌ناپذیری تعهد بنا شده است، به‌نظر می‌رسد عدم تجزیه حق حبس منطقی‌تر باشد» (باقری و طباطبایی، ۱۳۸۳: ۹۰).

به‌عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت قبول مطلق تجزیه‌پذیری حق حبس برخلاف دو اصل

و جوب بقا (اصاله‌اللزوم) و وجوب وفای به عقد است؛ چراکه به افراد این پیام را می‌دهد که هیچ اشکالی ندارد که شما تعهدات خود را نقض کرده، به صورت ناقص یا جزئی تعهد را انجام دهید و در هر حال حقوق از شما حمایت می‌کند. از طرف دیگر قبول مطلق تجزیه‌ناپذیری حق حبس نیز ممکن است در مواردی سخت‌گیرانه و دور از انصاف و عدالت باشد و حقوق شخصی را که به بخشی از تعهد خود عمل کرده است نادیده بگیرد؛ بنابراین لازم است رویکردی اتخاذ شود که حقوق طرفین قرارداد را تأمین کند.

#### ۱. ۲. ۴. ۱. تعهد به نتیجه<sup>۱</sup>

یکی از مفاهیمی که در حقوق ایران به تعهدات یکپارچه در نظام حقوقی کامن‌لا مشابهت دارد، تعهدات به نتیجه است. منشأ تقسیم تعهدات به نتیجه و وسیله را باید حقوق فرانسه دانست.<sup>۲</sup> این تقسیم‌بندی در حقوق ایران نیز روز به روز در حال گسترش است و در آثار حقوقی قابل مشاهده است.<sup>۳</sup> آنچه در تعهدات به نتیجه معمولاً مورد بحث واقع می‌شود اینست که چنانچه نتیجه مورد نظر حاصل نشود متعهد مسئول جبران خسارات است، مگر آنکه قوه قاهره را اثبات کند؛ یعنی محور اصلی بحث، جبران خسارت است. اما از آنجا که در فرض عدم حصول نتیجه، متعهد مسئول جبران خسارات شناخته می‌شود، بنابراین به طریق اولی او نمی‌تواند مدعی اجرای تعهد از سوی طرف مقابل شود و مستحق هیچ چیز نخواهد بود. تعهدات یکپارچه در نظام حقوقی کامن‌لا نیز تقریباً بیانگر این مطلب است، به این صورت که چنانچه متعهد نتواند تعهد خود را به طور کامل اجرا کند، مستحق هیچ اجرتی نخواهد بود؛ با این تفاوت که در تعهدات یکپارچه در نظام حقوقی کامن‌لا در صورت عدم اجرای کامل قرارداد آنچه معمولاً گفته می‌شود این است که متعهد مستحق هیچ چیز نخواهد بود، اما در خصوص مسئولیت جبران خسارت اشاره‌ای نشده است. در حالی که در تعهدات به نتیجه معمولاً آنچه گفته می‌شود این است که در صورت عدم حصول نتیجه، مسئولیت جبران خسارت برعهده متعهد است، مگر آنکه قوه قاهره را اثبات کند و لازمه عقلی این مطلب این است که متعهد مستحق هیچ اجرتی نیست. در تأیید این مطلب می‌توان به مواردی در فقه اشاره کرد؛ برای مثال، چنانچه اجاره یا

۱. معادل فرانسوی تعهد به نتیجه «obligation de résultat» و معادل انگلیسی آن «obligation to achieve a certain result» است.

۲. «این تقسیم‌بندی، نخستین بار توسط دموگ (Demogue) در حقوق فرانسه وارد شده است و مازو در «دروس حقوق مدنی» و مسئولیت مدنی با تغییر اصطلاح آن را کامل ساخته است و مورد قبول بسیاری از نویسندگان واقع گردیده است» (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۵۴).

۳. حبیب‌زاد و سعید، ۱۳۹۶: ۸۴-۵۹؛ حسینی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۸-۱۷؛ صالحی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۵۲-۱۳۱؛ نفرشی و مرتضوی، ۱۳۸۸: ۳۲-۱۱؛ سمیاری، ۱۳۸۶: ۱۰۶-۸۶؛ سلامی و کاظمی، ۱۳۹۷: ۱۵۱-۱۳۹.

جعله مبتنی بر وقوع نتیجه خاصی باشد در صورت عدم حصول نتیجه متعهد مستحق هیچ اجرتی نخواهد بود، اما اگر اجاره یا جعله بر عمل مرکب از اجزا واقع شده باشد، شخص اجیر یا عامل به میزانی که به تعهد خود عمل کرده است مستحق اجرت خواهد بود (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ ق: ۶۳۱). شارحان عروه نیز این مطلب را تصدیق کرده، خدشه‌ای بر آن وارد نکرده‌اند (خویی، ۱۴۱۸ ق: ۴۷۳؛ اشتهاودی، ۱۴۱۷ ق: ۳۰۵؛ موسوی خلخالی، ۱۳۸۵: ۱۰۱۶). در این خصوص، برخی قائل به تفکیک شده‌اند به این صورت که اگر شخصی بر نتیجه یک عمل غیرقابل تبعیض اجیر شده باشد و نتیجه موردنظر حاصل نشود، چنانچه عمل فاقد نتیجه قیمت داشته باشد، اجیر مستحق قیمت عمل خواهد بود، ولی در صورتی که عمل فاقد نتیجه قیمتی نداشته باشد، اجیر مستحق چیزی نخواهد بود (طباطبایی حکیم، ۱۴۳۳ ق: ۱۶۵).

#### ۱.۴.۳. وحدت مطلوب و تعدد مطلوب

تعدد مطلوب به معنای مطلوب بودن عمل مقید به قیدی حتی بدون آن قید است و وحدت مطلوب که در مقابل آن قرار دارد به معنای آن است که عمل مقید به قید، بدون آن قید مطلوبیتی ندارد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۴: ۵۲۶). یکی از آثار این تقسیم‌بندی در مبحث اجاره آشکار می‌شود. چنانچه شخصی اجیر شود که کالای فردی را در مدت معینی به شهری برساند و در میانه راه مانعی حاصل شود، در این صورت اجاره باطل می‌شود و چنانچه مجموع سفر و رساندن کالا به نحوه تعدد مطلوب در نظر گرفته شده باشد، اجیر به نسبت مسافتی که طی کرده است مستحق اجرت خواهد بود، ولی اگر رساندن کالا به نحو وحدت مطلوب مورد نظر باشد، اجیر مستحق هیچ اجرتی نخواهد بود؛ همان‌طور که اگر اجیر خیار فسخ داشته باشد و مجموع عمل به نحو وحدت مطلوب در نظر گرفته شده باشد و اجیر در وسط کار عقد را فسخ کند، مستحق هیچ اجرتی نخواهد بود (خویی، ۱۴۱۰ ق: ۱۰۲-۱۰۱). در خصوص اینکه اصل در عقود بر تعدد مطلوب است یا وحدت مطلوب، برخی معتقدند «قیود در نزد عقلا در باب معاملات از قبیل تعدد مطلوب است، مگر اینکه قید ذاتیاً من ذاتیاته و مقوماً للموضوع باشد، که این یک قانون کلی است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ق: ۱۲۳).

علت شباهت وحدت مطلوب به تعهدات یکپارچه در نظام حقوقی کامن‌لا از این جهت است که در صورت عدم حصول قید، متعهد نمی‌تواند اجرای تعهد از سوی طرف مقابل را خواستار شود و مستحق هیچ چیز نخواهد بود.

#### ۱.۵. استثنای قاعده

چنانچه این قاعده به تنهایی پذیرفته شود و هیچ استثنایی برای آن در نظر گرفته نشود، این یک

قاعده سخت خواهد بود و در مواردی ممکن است به بی‌عدالتی منجر شود. بنابراین، پذیرش مطلق این قاعده و در نظر نگرفتن هیچ استثنایی بر آن حقوق متعهد را نادیده می‌گیرد. همچنین عدم پذیرش این قاعده نیز می‌تواند باعث نادیده گرفتن حقوق متعهدله و عدم استحکام قراردادها شود. بنابراین برای حفظ حقوق طرفین قرارداد و برقراری تعادل استثناهایی بر این قاعده در طول زمان وارد شده است.

### ۱.۵.۱. اجرای عمده قرارداد<sup>۱</sup>

دکترین اجرای عمده قرارداد برای تعدیل قاعده تعهدات یکپارچه در نظام حقوقی کامن‌لا پیش‌بینی و در پرونده‌های متعددی مطرح شده است. منشأ این دکترین به قضاوت قاضی منسفیلد (Lord Mansfield) در پرونده «Boone v Eyre (1779)» برمی‌گردد (Furmston, 2017: 665; Charman, 2007: 212; Elliott and Quinn, 2009: 299; Andrews and others, 2017: 311; Stone, 2009: 566). این دکترین به طرفی که بخش عمده تعهد خود را اجرا کرده است، ولی با نواقص جزئی، اجازه می‌دهد تا بتواند برای دریافت اجرت کاری که انجام داده است اقامه دعوا کند؛ البته نه تمام مبلغ قرارداد را، بلکه تنها می‌تواند به آن میزان که تعهد خود را انجام داده است مطالبه اجرت کند. در کامن‌لا شروط به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: شرط اساسی (Condition)، شرط غیراساسی (Warranty) و شرط نامعین (Innominate term). توجه به این نکته ضروری است که این دکترین در مواردی که شروط اساسی قرارداد نقض شده باشد قابل اجرا نیست (Elliott and Quinn, 2009: 29).

اما منظور از اجرای عمده قرارداد چیست؟ چه زمانی می‌توان گفت که قرارداد به‌طور عمده اجرا شده است و معیار آن چیست؟ در نظام حقوقی کامن‌لا معیار دقیقی برای تمییز اجرای عمده قرارداد از غیر آن وجود ندارد. همان‌طور که برخی نیز به این مسئله اشاره کرده‌اند که تشخیص اجرای عمده قرارداد آسان و سراسر نیست (Stewart and others, 2019: 235). برخی معتقدند «اجرای عمده قرارداد، بستگی به ماهیت قرارداد و تمامی اوضاع و احوال آن دارد» (Chitty, 2017: 21-034). در کتاب حقوق قراردادهای آنسون، دو شرط برای تشخیص اجرای عمده قرارداد ذکر شده است: اول آنکه بخش اجرا شده خیلی کمتر از تعهد اصلی نباشد و دوم آنکه هزینه اصلاح و ترمیم نواقص قرارداد در مقایسه با مبلغ قرارداد خیلی زیاد نباشد (Beatson and others, 2020: 451).<sup>۲</sup> این دو شرط نیز کلی است و معیار دقیقی ارائه نمی‌دهد.

#### 1. Substantial Performance

۲. برای مثال در پرونده «Hoenig v Isaacs» هزینه ترمیم نواقص ۷,۳ درصد نسبت به مبلغ مقرر در قرارداد بود. به همین دلیل اجرای عمده قرارداد مورد پذیرش قرار گرفت، اما در پرونده «Bolton v Mahadeva» هزینه اصلاح نواقص ۳۱ درصد نسبت به مبلغ مقرر در قرارداد بود و به همین دلیل اجرای عمده قرارداد در این پرونده رد شد.

البته برخی نیز دکتترین اجرای عمده قرارداد را مورد نقد قرار داده‌اند و معتقدند که این دکتترین بر اساس این اشتباه که قراردادها یکپارچه می‌باشند بنا شده است. درحالی که این تعهدات هستند که یکپارچه هستند، نه قراردادها، و در خصوص تعهدات یکپارچه، هیچ جایگاهی برای اعمال دکتترین اجرای عمده قرارداد وجود ندارد، چراکه تعهدات یکپارچه تعهداتی هستند که باید به‌طور کامل اجرا شوند. برای مثال در پرونده «*Hoening v Isaacs (1952)*» تعهد متعهد نسبت به کمیت قرارداد، یکپارچه بوده، اما تعهد او نسبت به کیفیت یکپارچه نبوده است (Peel, 17-040: 2015). بنابراین دکتترین اجرای عمده قرارداد نسبت به کیفیت که یکپارچه نبوده اعمال شده است. در این پرونده یک دکوراتور در ازای ۷۵۰ پوند جهت تزئین و تجهیز منزلی استخدام می‌شود. مالک خانه ۴۰۰ پوند به‌عنوان قسط اول به او پرداخت می‌کند، اما در ادامه پس از آنکه متوجه می‌شود شخص تعهد خود را در ساخت قفسه کتاب و کمد لباس به‌طور معیوب انجام داده است از پرداخت مابقی اجرت او امتناع می‌کند. پس از آنکه پرونده در دادگاه مطرح می‌شود، دادگاه چنین رأی می‌دهد که چون شخص تعهد خود را به‌طور عمده انجام داده است، مستحق مابقی مبلغ قرارداد پس از کاستن مبلغی که جهت تعمیر قفسه کتاب و کمد لباس نیاز است، خواهد بود (Turner, 2007: 181).

همین‌طور در پرونده «*H Dakin & Co Ltd v Lee (1916)*» خواهان تعمیراتی در خانه خواننده به‌طور ناقص انجام داده بود و خواننده به همین دلیل از پرداخت اجرت او امتناع می‌ورزید. دادگاه این چنین رأی داد که خواهان هرچند به شکل بد و ناکافی به تعهد خود عمل کرده، ولی اینکه خواهان کار را ناقص و بد انجام داده است باعث نمی‌شود که اجرتی به او پرداخت نشود، بلکه باید از اجرت خواهان به نسبت نواقصی که در کار او وجود داشته است کاسته شود (Beatson and others, 2020: 451; Turner, 2007: 181; Andrews and others, 2017: 311).

اما در برخی پرونده‌ها دکتترین اجرای عمده قرارداد از سوی دادگاه مورد موافقت قرار نگرفته و بررسی همگی آنها از حوصله این بحث خارج است و می‌تواند موضوع چندین مقاله باشد؛ لذا به بیان یک پرونده به‌طور اختصار بسنده می‌شود. در پرونده «*Bolton v Mahadeva (1972)*» درخواست خواهان مبنی بر دریافت اجرت کار انجام‌شده به استناد دکتترین اجرای عمده قرارداد رد شد. در این پرونده خواهان در ازای ۵۶۰ پوند متعهد شده بود که سیستم گرمایش مرکزی خانه خواننده را نصب کند، اما این سیستم به‌خوبی نمی‌توانست خانه را گرم کند و برای تعمیر آن ۱۷۴ پوند لازم بود و دادگاه به دلیل آنکه اجرای عمده قرارداد صورت

۱. علاوه بر پرونده یادشده، در پرونده‌های *Pilbrow v Pearless de Rougemont & Sumpter v Hedges (1898)*، *Co (1993)*، *Vigers v Cook (1919)*، *Wiluszynski v Tower Hamlets LBC (1989)*، *Systech International Ltd v PC Harrington Contractors Ltd (2012)* نیز دکتترین اجرای عمده قرارداد مورد پذیرش قرار نگرفته و حکم به عدم استحقاق متعهد به دریافت اجرت داده شده است (Andrews and others, 2017: 314-318).

نگرفته است درخواست خواهان را رد کرده، او را مستحق دریافت هیچ اجرتی ندانست (Poole, 2016: 358; Finch and Fafinski, 2017: 172).

### ۱.۵.۱. بررسی حقوق ایران

در حقوق ایران مفهومی با عنوان «اجرای عمده قرارداد» به صورت مستقل از سوی حقوق دانان بررسی نشده است و چه بسا در نگاه اول این دکتترین با قواعد حقوق ایران و فقه امامیه ناسازگار باشد؛ چراکه قاعده لازم‌الوفاء بودن عقود، اصله‌اللزوم، تجزیه‌ناپذیر بودن اجرای تعهدات و لزوم مطابقت اجرا با مفاد قرارداد در تضاد با این مطلب است. دکت کاتوزیان در مبحث تجزیه‌پذیری یا تجزیه‌ناپذیری حق حبس به مطلبی اشاره می‌نماید که به دکتترین «اجرای عمده قرارداد» مشابهت دارد. به نظر وی فروشنده می‌تواند تا پرداخت تمام ثمن از تسلیم مبیع خودداری کند، به شرط آنکه بخش باقیمانده یا نقص باید در عرف قابل اغماض نباشد و به اندازه‌ای مهم باشد که اجرای حق حبس «سوءاستفاده» جلوه نکند (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۹۹). این مطلب که بخش باقیمانده یا نقص باید در عرف قابل اغماض نباشد، مشابه دکتترین اجرای عمده قراردادها در نظام حقوقی کامن‌لا است. یعنی اگر خریدار بخش عمده ثمن را به فروشنده پرداخت کرده باشد و بخش باقیمانده از ثمن در نظر عرف ناچیز و قابل اغماض باشد، فروشنده نمی‌تواند از حق حبس استفاده کند و می‌بایست مبیع را به خریدار تسلیم کند. «به‌نظر می‌رسد اجرای تعهد را به‌طور اساسی نتوان در حقوق ایران قابل اجرا دانست؛ به این دلیل که متعهدله می‌تواند از قبول تعهد آن خودداری کند، حتی در شرایطی که قسمت ناچیزی از مورد تعهد بدون اجرا مانده باشد جز اینکه شرایطی فراهم آید که عدم قبول آن رنگی از لجازی و سوءاستفاده از اختیار متعهدله باشد که می‌توان با نظریه اجرای اساسی موافق بود» (فرزانه و چرخ‌کی کوهگرد، ۱۳۹۸: ۳۶۸).

### ۱.۵.۲. قراردادهای تفکیک‌پذیر<sup>۱</sup>

دومین استثنا بر قاعده تعهدات یکپارچه، قراردادهای تفکیک‌پذیر هستند. در قراردادهای تفکیک‌پذیر متعهد پس از انجام هر مرحله می‌تواند جهت دریافت اجرت آن مرحله طرح دعوا کند (Elliott and Quinn, 2009: 300). برخلاف قراردادهای یکپارچه که زمانی متعهد مستحق دریافت اجرت قرارداد می‌شود که تعهد خود را به‌طور کامل به اتمام رسانده باشد. برای مثال، در پرونده «کاتر و پاول» چنانچه اجرت از قرار روزی یا هفته‌ای و یا به صورت مسافتی تعیین و کل مسیر سفر به چند قسمت تقسیم می‌شد، در این صورت خانم کاتر می‌توانست برای دریافت اجرت آن بخش از قرارداد که شوهرش انجام داده بود طرح دعوا کند. اما در این پرونده دادگاه

1. Divisible Contracts – Severable Contracts



به دلیل آنکه اجرت تعیین شده جهت پرداخت به آقای کاتر بالا بوده، این مسئله را اماره‌ای دانسته است بر اینکه قصد مشترک طرفین بر این بوده که قرارداد تفکیک‌پذیر نباشد (Monaghan, 2013: 122; Richards, 2007: 345). در برخی پرونده‌ها دادگاه قرارداد را تفکیک‌پذیر تشخیص داده است. برای مثال در پرونده «Ritchie v Atkinson (1808)» مالک کشتی متعهد به حمل بار به مبلغ پنج پوند به ازای هر تن شد، اما او تنها بخشی از محموله را به مقصد رساند. خواننده مدعی بود که تعهد به‌طور کامل انجام نشده است و به همین دلیل از پرداخت اجرت امتناع می‌کرد، اما دادگاه این قرارداد را یک قرارداد تفکیک‌پذیر دانست و خواهان را مستحق دریافت اجرت عمل خود به ازای حمل هر تن از محموله دانست (Marson and Ferris, 2015: 226; Jones, 2017: 233).

اینجا سؤالی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه چه قراردادی یکپارچه است و چه قراردادی تفکیک‌پذیر؟ معیار آن چیست؟ آیا ضابطه شخصی ملاک است یا ضابطه نوعی؟ برخی معتقدند اینکه قراردادی یکپارچه است یا تفکیک‌پذیر، بستگی به نیت طرفین و شروط صریح و ضمنی قرارداد دارد که از سوی قاضی دادگاه و با در نظر گرفتن اوضاع و احوال قضیه کشف می‌شود (Richards, 2007: 345; Jones, 2017: 233). طبق این نظر ضابطه تشخیص اینکه قراردادی یکپارچه است یا خیر، یک ضابطه شخصی است و به ماهیت و نوع تعهد توجهی نمی‌شود، بنابراین ممکن است ماهیت یک تعهد یکپارچه باشد، ولی طرفین قرارداد آن را تفکیک‌پذیر قرار داده باشند و یا اینکه تعهدی ماهیت تفکیک‌پذیر داشته باشد، ولی طرفین آن را یکپارچه قرار داده باشند.

#### ۱.۵.۲.۱. بررسی حقوق ایران

در حقوق ایران قراردادهای تفکیک‌پذیر پذیرفته شده است. در اثبات این مدعا می‌توان به ماده ۵۶۶ قانون مدنی اشاره کرد که می‌گوید: «هرگاه در جعاله، عمل دارای اجزای متعدد بوده و هر یک از اجزا، مقصود بالاصاله‌ی جاعل بوده باشد و جعاله فسخ گردد عامل از اجرت‌المسمی به نسبت عملی که کرده است مستحق خواهد بود اعم از این که فسخ از طرف جاعل باشد یا از طرف خود عامل». این مبحث در نظام حقوقی کامن‌لا تحت عنوان قراردادهای تفکیک‌پذیر بررسی می‌شود. در خصوص اینکه آیا حکم این ماده اختصاص به جعاله دارد یا قابلیت تسری به سایر قراردادهای جعاله، باید گفت که این حکم اختصاصی به جعاله ندارد، چراکه اولاً جعاله خصوصیتی ندارد که این حکم مختص جعاله دانسته شود و در تمام قراردادهایی که موضوع آن انجام یک

۱. علاوه بر پرونده یادشده، در پرونده‌های (1937) *Taylor v Webb* و *Government of Newfoundland v* (1887) *Newfoundland Railway Co (PC)* نیز دادگاه قرارداد را تفکیک‌پذیر دانسته است (Turner, 2007: 139; Monahan, 2001: 180).

عمل مادی است می‌تواند مورد استناد قرار گیرد (صفایی و سلطان احمدی، ۱۳۸۹: ۱۵۴). ثانیاً این ماده بیانگر یک قاعده کلی با عنوان «انحلال عقد به عقود متعدده» در فقه و حقوق ایران است (امامی، ۱۳۸۴: ۱۲۷). همین‌طور طبق ماده ۱۰ قانون مدنی که در مقام بیان اصل آزادی قراردادی است، اشخاص می‌توانند قرارداد خود را به صورت تفکیک‌پذیر و یا به صورت یکپارچه منعقد کنند. طرفین عقد می‌توانند تعهدی را که قابل تجزیه نیست در رابطه قراردادی خود تجزیه‌پذیر اعلام کرده یا برعکس تعهدی را که بر حسب طبیعت خود تجزیه‌پذیر است غیرقابل تجزیه اعلام کنند (سیفی زیناب و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۹۲؛ یزدانیان، ۱۳۹۹: ۳۴).

### ۱.۵.۳. قبول داوطلبانه اجرای جزئی<sup>۱</sup>

گاهی اوقات اجرای ناقص یا جزئی قرارداد از سوی طرف قرارداد پذیرفته می‌شود. در این حالت او ملزم است که به تعهد خود به میزانی که قرارداد انجام شده عمل کند. در این حالت او نمی‌تواند قاعده تعهدات یکپارچه را جهت فرار از پرداخت اجرت به متعهد مورد استناد قرار دهد؛ بنابراین، متعهد مستحق دریافت اجرت‌المثل بخش انجام‌شده خواهد بود (Elliott and Quinn, 2009: 300) برای مثال، اگر کالایی قرار باشد از لندن به شهر هال منتقل شود، ولی در میانه راه وسیله نقلیه خراب شود، چنانچه منتقل‌الیه قبول کند که کالا را در دونکاستر دریافت کند، متصدی حمل مستحق دریافت اجرت بخش انجام‌شده خواهد بود (Stone, 2009: 565). همچنین طبق بخش (۱) ۳۰ قانون بیع کالا ۱۹۷۹ «جایی که فروشنده کالایی را با کیفیتی کمتر از آنچه در قرارداد متعهد شده بود به خریدار تحویل می‌دهد، خریدار حق دارد آن کالا را رد کند. اما اگر خریدار کالا را پذیرفت باید ثمن را بپردازد». توجه به اینکه لازم است که قبول اجرای ناقص قرارداد در حالتی قابل اعمال است که متعهدله گزینه‌های متعددی پیش روی خود داشته باشد که یکی از آنها قبول اجرای ناقص قرارداد باشد، اما در حالتی که گزینه دیگری جز پذیرش اجرای ناقص قرارداد وجود ندارد، این استثنا قابل اعمال نیست و نمی‌تواند از سوی متعهد در جهت اثبات ادعای خود برای دریافت بخشی از مبلغ مقرر در قرارداد مورد استناد قرار گیرد. مراد از داوطلبانه بودن قبول اجرا نیز همین است و طرف قرارداد نباید مجبور به پذیرش اجرای ناقص شود، بلکه باید به صورت داوطلبانه اجرای ناقص را قبول کند. در پرونده «Sumpter v Hedges (1898)» همین مسئله اتفاق افتاد. در این پرونده خواهان متعهد شده بود دو خانه و یک اصطبل برای خوانده بسازد، ولی او نتوانست تعهد خود را کامل کند و کارش نیمه‌تمام ماند و خوانده باقیمانده کار را با استفاده از مصالح خواهان به اتمام رساند. دعوای خواهان مبنی بر اینکه اجرای ناقص او مورد پذیرش خوانده قرار گرفته است، رد شد، اما دادگاه

1. Voluntary Acceptance of Partial Performance

او را مستحق ارزش مصالحی که خوانده از آنها استفاده کرده بود، دانست. علت اینکه دعوای خواهان رد شد این بود که خوانده یعنی مالک زمین، گزینه دیگری جز تکمیل ساختمان نیمه‌کاره نداشت و نمی‌توانست ساختمان‌های نیمه‌کاره را به صورت یک منظره زشت در زمین خود رها کند، به همین دلیل به ناچار خود ساختمان‌ها را تکمیل کرد (Monahan, 2001: 139-140; Turner, 2007: 181; Pool, 2016: 355-356).

### ۱.۵.۳.۱. بررسی حقوق ایران

در حقوق ایران «قبول داوطلبانه اجرای جزئی» مورد پذیرش است. اولین دلیل، اصل حاکمیت اراده است و دلیل دوم، قاعده اقدام است؛ چراکه متعهدله با قبول اجرای جزئی تعهد، به زیان خود اقدام کرده است. دلیل سوم، رضایت طلبکار است که یکی از استثنای قاعده عدم امکان تجزیه دین و پرداخت جزئی (ماده ۲۷۷ قانون مدنی) است؛ از آنجایی که مبنای ممنوعیت تجزیه، حمایت از دائن است، پس با رضایت او تجزیه دین مانعی ندارد (فرهاد بیات و شیرین بیات، ۱۳۹۶: ۱۹۶؛ توکلی، ۱۳۹۹: ۴۴۲). دلیل چهارم، این است که قبول داوطلبانه اجرای جزئی قرارداد می‌تواند به منزله ابراء بخش باقیمانده از تعهد باشد.

### ۱.۵.۴.۱. جلوگیری از اجرا<sup>۱</sup>

یکی دیگر از استثنای قاعده تعهدات یکپارچه، جلوگیری از اجرای تعهد از سوی متعهدله است. به این صورت که پس از آنکه شخص متعهد بخشی از کار را انجام می‌دهد، متعهدله از انجام آن کار منصرف می‌شود و از اجرای تعهد جلوگیری می‌کند، در این صورت شخصی که بخشی از کار را انجام داده است می‌تواند اجرت‌المثل کار خود را دریافت کند و متعهدله نمی‌تواند به قاعده تعهدات یکپارچه استناد نماید و با این استدلال که طرف قرارداد تعهد خود را به‌طور کامل انجام نداده است از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند؛ چراکه او خود مانع اجرای کامل قرارداد شده است. برای مثال در پرونده «Planché v Colburn (1831)» نویسنده‌ای از سوی یک ناشر برای نگارش یک کتاب از یک مجموعه به مبلغ صد پوند استخدام شده بود. پس از اینکه نویسنده نگارش کتاب را آغاز کرد ناشر از انتشار این مجموعه منصرف شد. از آنجایی که هیچ تقصیری متوجه نویسنده نبود او مستحق دریافت پنجاه پوند شناخته شد (Elliott and Quinn, 2009: 300; Turner, 2007: 182).

## ۱.۵.۴.۱. بررسی حقوق ایران

این استثنا نیز در حقوق ایران پذیرفته شده است. به موجب ماده ۵۶۵ قانون مدنی «... اگر جاعل در اثناء عمل رجوع نماید باید اجرت المثل عمل عامل را بدهد». این همان مفهومی است که در نظام حقوقی کامن لا تحت عنوان «جلوگیری از اجرا» مطرح شده است. همین طور به موجب ماده ۳۶۹ قانون تجارت «وقتی حق العمل کار مستحق حق العمل می شود که معامله اجرا شده و یا عدم اجرای آن مستند به فعل آمر باشد...». بنابراین، چنانچه عدم اجرای معامله مستند به فعل آمر باشد، حق العمل کار مستحق حق العمل (اجرت المسمی) خواهد بود. همین طور در صورت فسخ حق العمل کاری از جانب آمر، حق العمل کار مستحق اجرت المثل کارهای صورت گرفته است (توکلی، ۱۳۹۶: ۵۴).

۱.۵.۵.۱. پیشنهاد اجرا<sup>۱</sup>

ترجمه تحت اللفظی این استثنا «پیشنهاد اجرا» است، اما «امتناع متعهدله از قبول اجرا» مفهوم این استثنا را بهتر می‌رساند؛ با این توضیح که گاهی متعهد پس از انجام تعهد خود، آن را به طرف قرارداد عرضه می‌دارد، ولی متعهدله بدون دلیل موجه از پذیرش آن خودداری می‌کند. در این حالت، شخص متعهد مستحق اجرت کاری است که انجام داده، چراکه عدم تکمیل قرارداد، مستند به خود شخصی است که از پذیرش تعهد امتناع کرده است و نمی‌تواند جهت فرار از اجرای تعهدش به قاعده تعهدات یکپارچه استناد کند. برای مثال در پرونده «Startup v Macdonald (1843)» شخصی متعهد شده بود ده تن روغن به دیگری بفروشد و تا آخر ماه مارس به دست او برسد. فروشنده روغن را ساعت هشت و نیم شب روز ۳۱ مارس به دست خریدار رساند. اما خریدار به این علت که دیروقت است از دریافت آن امتناع ورزید. فروشنده به دادگاه جهت جبران خسارت وارده شکایت کرد و دادگاه به این علت که فروشنده تعهد خود را به طور کامل انجام داده است متعهدله را ملزم به جبران خسارت نمود. البته اگر این پرونده با توجه به قانون بیع کالا (The Sale of Goods Act) تحلیل شود، پاسخ متفاوت خواهد بود، چراکه طبق این قانون، تسلیم کالا باید در اوقات متعارف باشد (Turner, 2007: 182; Elliott) (and Quinn, 2009: 300-301; Finch and Fafinski, 2017: 173; Richards, 2007: 344).

## ۱.۵.۵.۱. بررسی حقوق ایران

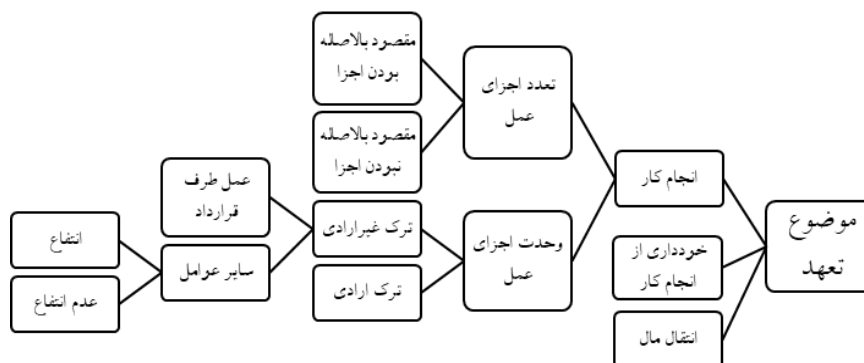
در حقوق ایران این استثنا نیز پذیرفته شده است. به موجب ماده ۲۷۳ قانون مدنی «اگر صاحب حق از قبول آن امتناع کند متعهد به وسیله تصرف دادن آن به حاکم یا قائم مقام او بری

1. Tender of Performance

می‌شود و ...». در این ماده به تکلیف متعهد اشاره شده است، اما به تکلیف صاحب حق اشاره نشده است. با توجه به آنکه متعهد به وظیفه خود عمل کرده است و عدم اجرای کامل تعهد مستند به امتناع صاحب حق از قبول است، بنابراین چنانچه صاحب حق تعهدی در برابر متعهد برعهده گرفته باشد، ملزم به اجرای تعهد خود و جبران خسارات اوست.

## ۲. ارائه راهکاری جامع در فرض اجرای ناقص قرارداد در حقوق ایران

از آنجایی که در حقوق ایران به طور جامع و با در نظر گرفتن ابعاد مختلف مسئله پاسخی به این سؤال داده نشده که اگر تعهد به طور ناقص یا جزئی انجام شود آیا طرف مقابل ملزم به اجرای بخشی از تعهد خود در قبال آن میزان از کار انجام شده است یا خیر، لازم است برای دستیابی به پاسخی جامع به این سؤال فرض‌های مختلف را از یکدیگر تفکیک کرد تا به یک راه حل منصفانه و دقیق دست یافت. این سؤال فقط در مواردی مطرح می‌شود که دو تعهد وجود داشته باشد؛ چراکه سؤال ناظر بر این است که چنانچه یکی از طرفین تعهد خود را به صورت ناقص یا جزئی انجام دهد، آیا طرف مقابل ملزم است تعهد خود را اجرا کند یا خیر؟ بنابراین در مواردی که تنها یک تعهد وجود دارد، این بحث مطرح نمی‌شود. همین‌طور در صورتی که قراردادی تفکیک‌پذیر باشد، ولی طرفین بر یکپارچگی تعهد توافق کرده (تجزیه‌ناپذیری قراردادی) یا قانون تعهد را یکپارچه دانسته باشند (تجزیه‌ناپذیری قانونی) یا بر حسب طبیعت و موضوع، تعهد یکپارچه باشد (تجزیه‌ناپذیری طبیعی)، بحثی وجود نخواهد داشت (یزدانیان، ۱۳۹۹: ۳۳-۳۴؛ سیفی زیناب و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۹۲-۱۹۱) و چنانچه متعهد نتواند تعهد خود را به طور کامل و دقیق اجرا کند نمی‌تواند مدعی اجرای تعهد از سوی طرف مقابل باشد و هیچ حقی ندارد؛ بنابراین فرض‌های زیر در حالت سکوت طرفین و قانون است. از آنجا که موضوع تعهد ممکن است انجام کار، خودداری از انجام کار و یا انتقال مال باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۱۶؛ صفایی، ۱۳۹۳: ۱۴)، لذا این مبحث در سه بخش پیگیری می‌شود. برای فهم بهتر، ابتدا نمودار مطالب ترسیم و سپس به صورت تفصیلی به بررسی آنها پرداخته خواهد شد.



## ۲. ۱. انجام کار

در فقه امامیه که حقوق ایران نیز مبتنی بر آن است، عمل مسلم محترم و دارای ارزش است و کسی که از عمل دیگری منتفع می‌شود باید اجرت عمل او را بپردازد. به این مسئله در کلام فقهای امامیه تحت عنوان قاعده احترام مال و عمل مسلمان اشاره شده است (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱ ق: ۱۴۶؛ موسوی قزوینی، ۱۴۱۹ ق: ۲۰۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰: ۲۲۷، ۲۱۸؛ مصطفوی، ۱۴۲۱ ق: ۲۴؛ محقق داماد، ۱۳۸۴: ۲۱۷، هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵: ۵۱). قانون مدنی ایران نیز در ماده ۳۳۶ به این مسئله اشاره کرده است. همچنین از آنجایی که معمولاً متعهدله از اجرای ناقص تعهد منتفع می‌شود، بنابراین در فرضی که شخصی تعهد خود را به صورت ناقص یا جزئی انجام داده باشد باید راه‌حلی را برگزید که علاوه بر در نظر گرفتن قاعده احترام عمل مسلمان در راستای تضمین استحکام قراردادهای و نیز حفظ حقوق طرفین قرارداد باشد؛ از این رو، لازم است صور مختلف به‌طور جداگانه بررسی شوند.

### ۲. ۱. ۱. تعدد اجرای عمل

#### ۲. ۱. ۱. ۱. مقصود بالاصاله بودن اجزا

این تقسیم‌بندی وام گرفته از ماده ۵۶۶ قانون مدنی است. در صورتی که قرارداد از اجزای متعدد تشکیل شده باشد و هر یک از اجزا مقصود بالاصاله شخص باشد، متعهد در ازای انجام هر جزء از قرارداد مستحق دریافت اجرت آن جزء خواهد بود.

#### ۲. ۱. ۱. ۲. مقصود بالاصاله نبودن اجزا

در صورتی که قراردادی از بخش‌های مختلفی تشکیل شده باشد، ولی هر یک از اجزا به‌تنهایی

مقصود متعهدله نباشد و اجرای قرارداد به‌طور کامل و به بیان فقهی عمل مجموع من حیث المجموع مد نظر باشد، مانند نماز یا روزه (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ ق: ۶۳۱؛ خویی، ۱۴۱۸ ق: ۴۷۴)، در این حالت باید گفت که اجرای بخشی از قرارداد متعهد را مستحق دریافت اجرت آن بخش نخواهد کرد. در تأیید این مطلب می‌توان به مواردی در فقه امامیه اشاره کرد. درجایی که عمل مجموع من حیث المجموع مد نظر است، چنانچه در وسط کار مانعی حاصل شود و اجیر نتواند تعهد خود را به‌طور کامل انجام دهد مستحق هیچ چیز نخواهد بود (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ ق: ۶۳۱). همین‌طور اگر اجیر در جایی که عمل مجموع من حیث المجموع مد نظر است عقد را در وسط کار فسخ کند، مستحق هیچ اجرتی نخواهد بود. ولی اگر مستأجر در وسط کار عقد را فسخ کند در استحقاق اجیر نسبت به اجرت اختلاف شده است. صاحب عروه در این خصوص می‌فرماید که اجیر مستحق اجرت‌المثل به مقدار عملش است و دلیل آن را احترام عمل مسلم بیان می‌کند خصوصاً در جایی که خیار مستأجر خیار شرط نباشد (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ ق: ۶۳۲)؛ چراکه در این صورت اجیر بر الغای مالیت عمل خود اقدام نکرده است (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳ ق: ۳۸۵)، ولی اکثر فقها با این نظر مخالف بوده‌اند (خمینی، ۱۳۹۲: ۴۴۶؛ حکیم، ۱۳۷۴: ۲۱۱؛ خویی، ۱۴۱۸ ق: ۴۸۲؛ فاضل موحدی لنگرانی، ۱۴۲۲ ق: ۵۲۰؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۳۱ ق: ۳۹۷؛ موسوی سبزواری، ۱۴۱۳ ق: ۲۱۷).

## ۲.۱.۲. وحدت اجزای عمل

در صورتی که قرارداد دارای یک جزء باشد و به‌عبارت دیگر در صورتی که قرارداد تفکیک‌ناپذیر باشد، فرض بر این است که مطلوب متعهدله اجرای کامل تعهد می‌باشد و اجرای ناقص تعهد سودی برای او ندارد. اما از آنجایی که متعهدله ممکن است از کار نیمه‌تمام متعهد منتفع شود، لازم است برای حفظ حقوق طرفین قرارداد، فروض مختلف از یکدیگر تفکیک شود.

### ۲.۱.۲.۱. ترک غیرارادی

#### الف) عمل طرف قرارداد

در صورتی که طرف قرارداد مانع اجرای کامل تعهد از سوی متعهد باشد، متعهد مستحق دریافت اجرت بخش انجام‌شده خواهد بود؛ چه بخش اجراشده سبب انتفاع طرف مقابل بشود چه نشود، زیرا عدم تکمیل قرارداد ناشی از عمل خود طرف قرارداد بوده است. همان‌طور که در ماده ۵۶۵ قانون مدنی نیز گفته شده است: «... اگر جاعل در اثناء عمل رجوع نماید باید اجرت‌المثل عمل عامل را بدهد»، این همان مفهومی است که در نظام حقوقی کامن‌لا تحت عنوان جلوگیری از اجرا به‌عنوان یکی از استثنای قاعده تعهدات یکپارچه مطرح شده است.

**ب) سایر عوامل**

در صورتی که عدم تکمیل قرارداد ناشی از قوه قاهره، فراستریشن، عسر و حرج یا سایر مواردی باشد که از اراده متعهد خارج است، باید دو فرض را از یکدیگر تفکیک کرد:

**• انتفاع متعهدله**

در صورتی که اجرای ناقص قرارداد ناشی از عواملی خارج از اراده شخص باشد و طرف مقابل نیز در نظر عرف از اجرای ناقص قرارداد منتفع شود، انصاف و عدالت حکم می‌کند که متعهد مستحق دریافت اجرت بخش انجام شده باشد؛ چراکه هم متعهدله از کار متعهد منتفع شده و هم متعهد تقصیری نداشته و عدم تکمیل قرارداد ناشی از عاملی خارج از اراده او بوده است.

**• عدم انتفاع متعهدله**

در صورتی که عرفاً متعهدله از بخش انجام شده منتفع نشود، متعهد مستحق هیچ اجرتی نیست، چراکه همان طور که گذشت، فرض بر این است که مطلوب متعهدله اجرای کامل قرارداد است و اجرای ناقص برای او سودی ندارد.

**۲.۲.۱. ترک ارادی**

در صورتی که متعهد علی‌رغم توانایی بر اتمام کار، به‌طور ارادی از انجام عمل منصرف شود، در جهت لزوم حمایت از استحکام قراردادها و در راستای اصله‌اللزوم و تشویق افراد به انجام کامل قرارداد، باید گفت که در این فرض هیچ اجرتی به متعهد تعلق نخواهد گرفت. به عبارت دیگر، در این حالت حق حبس قابلیت تجزیه ندارد و شخصی که تعهد خود را به‌طور ناقص انجام داده است، نمی‌تواند متعهدله را به اجرای تعهدش به نسبت بخش اجرا شده ملزم نماید.

**۲.۲. خودداری از انجام کار**

این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که اگر شخصی به صورت ناقص یا جزئی تعهد خود را اجرا کرد، وضعیت طرفین قرارداد به چه صورت است؛ یعنی موضوع بحث، فعل است نه ترک فعل. بنابراین این فرض تخصصاً از موضوع بحث خارج است. ولی این بحث نیز قابل تصور و تأمل است به این صورت که اگر شخصی متعهد شود که از انجام کاری خودداری کند، چنانچه تعهد خود را نقض کرده، بخشی و نه تمام کاری را که از آن منع شده انجام دهد، آیا می‌تواند در قبال آن بخش از تعهد خود که ترک فعل بوده و به آن وفا کرده و آن کار را ترک کرده است، مدعی اجرای تعهد طرف مقابل به همان میزان باشد؟ برخی معتقدند «به دلیل وجوب پیوستگی عدم انجام عمل و لزوم



استمرار دوری از عمل ممنوع تا سررسید مقرر، ترک فعل ذاتاً در زمره تعهدات تجزیه‌ناپذیر است» (فرزانه و چرخ‌کوهگر، ۱۳۹۸: ۳۵۵). بنابراین، متعهد به ترک فعل در صورت انجام عمل، مستحق هیچ چیز نخواهد بود. این بحث نیاز به تأمل بیشتری دارد که از حوصله این مقاله خارج است و چه‌بسا بتوان همانند مبحث «انجام کار» فرض‌هایی را نیز برای این مبحث ترسیم کرد.

### ۲.۳. انتقال مال یا تسلیم مال

ممکن است موضوع تعهد انتقال یا تسلیم مال به دیگری باشد، مانند بیع و اجاره. چنانچه بایع یا مؤجر تعهد خود را به صورت ناقص یا جزئی انجام دهد، تکلیف چیست؟ در مواد مختلف قانونی و در کلام حقوق‌دانان و فقها پاسخ این سؤال به‌طور روشن و مفصل بیان شده است و ابهامی در این قسمت وجود ندارد و عمده بحث در قسمت اول یعنی انجام کار بوده که فرض‌های مختلف آن بررسی شده است.

### نتیجه

در نظر عقلا اجرای کامل و دقیق قرارداد از سوی متعهد مورد انتظار است و اشخاص با این نیت که قرارداد به‌طور کامل اجرا خواهد شد تعهدی در برابر طرف دیگر برعهده می‌گیرند، و چنانچه بدانند که قراردادی ناقص و نیمه‌تمام اجرا خواهد شد یا اصلاً اجرا نخواهد شد، منطقی‌اً وارد قرارداد نمی‌شوند. اما همیشه این‌گونه نیست که همه قراردادهای به‌طور کامل و دقیق اجرا شوند. گاهی اوقات ممکن است به دلایل مختلفی اجرای کامل و دقیق قرارداد با اختلال روبه‌رو شود و متعهد نتواند یا نخواهد به‌طور کامل به تعهد خود عمل کند و تعهد خود را به صورت ناقص یا نیمه تمام اجرا کند. در نظام حقوقی کامن‌لا بر اساس قاعده تعهدات یکپارچه که منشأ شکل‌گیری آن به پرونده «کاتر و پاول» برمی‌گردد، اجرای ناقص تعهد، هیچ حقی به متعهد نسبت به طرف مقابل نمی‌دهد و سبب معافیت طرف مقابل از اجرای تعهد خود در برابر کار ناقص می‌شود. این موضع در مواردی ممکن است به دور از انصاف و عدالت باشد و آثار و نتایج سختی به‌همراه داشته باشد و به تضییع حقوق کسی منجر شود که بخشی از تعهد خود را اجرا کرده است. به دلیل همین سختی و عدم انعطاف و نادیده گرفتن حقوق شخصی که به بخشی از تعهد خود عمل کرده، این قاعده مورد انتقاد حقوق‌دانان قرار گرفته و در راستای تعدیل این قاعده استثناهایی بر آن وارد شده است. علی‌رغم اینکه استثناهای متعدد بر این قاعده در برطرف کردن جنبه سخت این قاعده تا حدودی مؤثر بوده است، ولی هنوز این قاعده و استثناهای آن نمی‌تواند به‌طور کامل تأمین‌کننده عدل و انصاف باشد. در حقوق ایران با اینکه از قاعده‌ای تحت این عنوان بحث نشده است، ولی موارد مشابهی برای این قاعده می‌توان یافت؛ از جمله مباحث تجزیه‌ناپذیری تعهدات، تجزیه‌ناپذیری حق حبس، وحدت مطلوب و تعهد به نتیجه. از آنجایی که نه در نظام حقوقی کامن‌لا و نه در حقوق ایران بحث جامع و

دقیقی در خصوص قراردادی که به صورت ناقص یا جزئی اجرا شده باشد وجود ندارد، در این مقاله سعی شد با تفکیک فرض‌های مختلف و با در نظر گرفتن اصولی همچون حفظ حقوق طرفین قرارداد، انصاف، عدالت، استحکام قراردادها، وجوب وفا و وجوب بقای عقد راهکاری جامع در فرض اجرای ناقص قرارداد پیشنهاد شود.

## منابع و مأخذ

### الف) فارسی

#### - کتاب‌ها

۱. امامی، سید حسن (۱۳۸۴). **حقوق مدنی**، ج ۲، چ ۱۸، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۲. آریان‌پور کاشانی، منوچهر (۱۳۸۲). **فرهنگ گسترده (دوجلدی دانشگاهی) پیشرو آریان پور (انگلیسی - فارسی)**، چ ۳، تهران: نشر الکترونیکی و اطلاع‌رسانی جهان رایانه.
۳. بیات، فرهاد و بیات، شیرین (۱۳۹۶). **شرح جامع حقوق مدنی**، چ ۱۲، تهران: ارشد.
۴. توکلی، محمدمهدی (۱۳۹۶). **مختصر حقوق تجارت**، چ ۱۱، تهران: مکتوب آخر.
۵. توکلی، محمدمهدی (۱۳۹۹). **آموزش جامع حقوق مدنی**، ج ۱، چ ۳، تهران: مکتوب آخر.
۶. صفایی، سید حسین (۱۳۹۳). **دوره مقدماتی حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها**، ج ۲، تهران: میزان.
۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). **حقوق مدنی: نظریه عمومی تعهدات**، تهران: نشر یلدا.
۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳). **دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی: قرارداد - ایقاع**، چ ۱۲، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۹. محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۴). **قواعد فقه (بخش مدنی - مالکیت و مسئولیت)**، چ ۱۲، قم: مرکز نشر علوم اسلامی.
۱۰. موناگان، کریس؛ موناگان، نیکولا (۱۳۹۶). **درآمدی بر حقوق قراردادها**، مترجمان: سید مصطفی سعادت مصطفوی و محمدطه خراطها، چ ۱، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
۱۱. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۴). **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام**، ج ۲، چ ۱، قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام).
۱۲. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۵). **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت**

علیهم‌السلام، ج ۶، چ ۱، قم: مؤسسه دائرة لمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام).

### – مقالات و پایان‌نامه‌ها

۱۳. باقری، احمد و طباطبایی، محمدصادق (بهار ۱۳۸۴). «حق حبس»، الهیات و معارف اسلامی (مطالعات اسلامی)، ش ۶۷.
۱۴. تفرشی، محمد عیسی و مرتضوی، عبدالحمید (بهار ۱۳۸۸). «مطالعه تطبیقی تعهد به وسیله و به نتیجه در فقه، حقوق فرانسه و ایران»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ش ۱۵.
۱۵. تفرشی، محمدعیسی؛ پارساپور، محمدباقر؛ محقق داماد، سید مصطفی (پاییز ۱۳۸۷). «تأثیر اجرای جزئی یا ناقص تعهد بر حق حبس با مطالعه تطبیقی در حقوق برخی کشورهای اروپایی»، فصلنامه مدرس علوم انسانی (پژوهش‌های حقوق تطبیقی فعلی)، ش ۳.
۱۶. حبیب‌نژاد، احمد و سعید، زهرا (تابستان ۱۳۹۶). «لزوم گذار از تعهد به وسیله به تعهد به نتیجه در تفسیر تعهدات دولت در اصل سوم قانون اساسی»، حقوق اسلامی، ش ۵۳.
۱۷. حسینی، محمد؛ شفیعی، حدیث؛ تفرشی، عباس (بهار و تابستان ۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی تعهدات به وسیله و تعهدات به نتیجه در فقه و حقوق ایران»، راه و کالت، ش ۱۷.
۱۸. رحیمی، حبیب‌الله و کریمی، زهره (زمستان ۱۳۹۱). «مبانی تجزیه قرارداد در حقوق ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ش ۲.
۱۹. سلامی، مهرداد و کاظمی، حسن (۱۳۹۷). «مسئولیت مدنی مربیان و معلمان ورزش در قبال ورزشکاران و دانش‌آموزان»، کانون وکلای دادگستری اردبیل، ش ۵ و ۶، پاییز و زمستان، ۱۳۹-۱۵۱.
۲۰. سمیاری، فرح (پاییز ۱۳۸۶). «مسئولیت‌ها و تعهدات تیم جراحی»، فصلنامه حقوق پزشکی، ش ۲.
۲۱. سیفی زیناب، غلامعلی؛ شریفی، حامد؛ بهرامپوری، رسول (زمستان ۱۳۹۹). «تجزیه‌پذیری تعهدات در حقوق ایران و فقه امامیه»، فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۹۲.
۲۲. صالحی، حمیدرضا؛ فلاح، محمدرضا؛ عباسی، محمود (پاییز ۱۳۸۹). «ماهیت تعهدات پزشکی در پرتو مطالعه تطبیقی»، فصلنامه حقوق پزشکی، ش ۱۴.
۲۳. صالحی، محمدمبین (۱۳۹۵). تجزیه‌پذیری قراردادها در فقه و حقوق با رویکردی به مصادیق آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه الهیات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

۲۴. صفایی، سید حسین و سلطان احمدی، جلال (بهار ۱۳۸۹). «تجزیه‌پذیری قرارداد در حقوق ایران، انگلیس و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰ وین)»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی (حقوق سابق)، ش ۱۰۱.
۲۵. فرزانه، عبدالحمید و چرخ کوهگرد، کوروش (بهار ۱۳۹۸). «گستره مستثنیات ممنوعیت تجزیه تعهد در حقوق ایران و برخی نظام‌های حقوقی دیگر»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش ۸۵.
۲۶. کاوند، محمود (۱۳۸۹). **تعهدات غیرقابل تجزیه**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده آموزش‌های الکترونیکی، دانشگاه قم.
۲۷. یزدانیان، علیرضا (بهار و تابستان ۱۳۹۹). «تجزیه‌ناپذیری موضوع تعهدات قراردادی و غیرقراردادی در حقوق اسلام، ایران و فرانسه»، دوفصلنامه علمی پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ش ۵۱.

### ب) عربی

۲۸. اشتهاردی، علی پناه (۱۴۱۷ ق). **مدارک العروة**، ج ۲۷، تهران: منظمه الاوقاف و الشؤون الخيرية. دار الأسوة للطباعة و النشر.
۲۹. جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۳ ق). **موسوعة الفقه الإسلامي طبقاً لمذهب أهل البيت عليهم السلام**، ج ۴، چ ۱، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام).
۳۰. حکیم، سید محسن (۱۳۷۴). **مستمسک العروة الوثقی**، ج ۱۲، چ ۳، قم: دارالتفسیر.
۳۱. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۲). **العروة الوثقی مع تعالیق الامام الخمينی**، ج ۲، چ ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی (قدس سره).
۳۲. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ ق). **منهاج الصالحین**، ج ۲، چ ۲۸، قم: مدينه العلم. آیت الله العظمی الخوئی.
۳۳. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ ق). **موسوعة الإمام الخوئی**، ج ۳۰، قم: مؤسسه إحياء آثار الامام الخوئی.
۳۴. طباطبایی حکیم، سید محمدسعید (۱۴۳۳ ق). **منهاج الصالحین**، ج ۲، چ ۸، قم: دارالهلل.
۳۵. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۰۹ ق). **العروة الوثقی**، ج ۲، چ ۲، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۳۶. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم بن عبدالعظیم (۱۴۲۱ ق). **العروة الوثقی**، ج ۵، چ ۱، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

۳۷. فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۴۲۲ ق). **العروة الوثقی (مع تعليقات الفاضل اللنکرانی)**، ج ۲، چ ۱، قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار (عليهم السلام).
۳۸. مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۲۱ ق). **القواعد**، ج ۴، قم: مؤسسه النشر الإسلامي.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰). **القواعد الفقهية**، ج ۲، چ ۳، قم: مدرسة الإمام علی بن أبی طالب (عليه السلام).
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ ق). **كتاب النکاح**، ج ۱، قم: مدرسة الإمام علی بن أبی طالب (عليه السلام).
۴۱. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۳۱ ق). **العروة الوثقی مع تعليقات سماحه آیه الله العظمی السید عبدالکریم الموسوی الاردبیلی**، ج ۲، قم: جامعة المفید، مؤسسه النشر.
۴۲. موسوی خلخالی، سید محمد مهدی (۱۳۸۵). **مدارک العروه الوثقی: کتاب الاجاره - فقه الشیعه**، چ ۱، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
۴۳. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ ق). **مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام**، ج ۱۹، چ ۴، قم: دفتر آیه الله العظمی السید السبزواری.
۴۴. موسوی قزوینی، سید علی (۱۴۱۹ ق). **رسالة فی العدالة**، چ ۱، قم: مؤسسه النشر الإسلامي.

### ج) انگلیسی

45. Andrews, N., & Clarke, M., & Tettenborn, A., & Virgo, G. (2017). **Contractual Duties: Performance, Breach, Termination and Remedies** (2<sup>nd</sup> ed.). Thomson Reuters & Sweet & Maxwell.
46. Beale, H. G., & Bishop, W. D., & Furmston, M. P. (2008). **Contract Cases & Materials** (5<sup>th</sup> ed.). Oxford.
47. Beatson, J., & Burrows, A., & Cartwright, J. (2020). **Anson's Law of Contract** (31<sup>th</sup> ed.). Oxford.
48. Charman, M. (2007). **Contract Law** (8<sup>th</sup> ed.). Willan Publishing.
49. Chitty, J. (2017). **Chitty on Contracts** (32<sup>nd</sup> ed.). Sweet & Maxwell.
50. Davies, P S. (2018). **JC Smith's the Law of Contract** (2<sup>nd</sup> ed.). Oxford.
51. Elliott, C., & Quinn, f. (2009). **Contract Law** (7<sup>th</sup> ed.). Pearson Education Limited.
52. Finch, E., & Fafinski, S. (2017). **Contract Law** (5<sup>th</sup> ed.). Pearson Education Limited.
53. Furmston, M. P. (2017). **Cheshire, Fifoot, and Furmston's Law of Contract** (17<sup>th</sup> ed.). Oxford.
54. Jones, L. (2017). **Introduction to Business Law** (4<sup>th</sup> ed.). Oxford.
55. Marson, J., & Ferris, K. (2015). **Business Law** (4<sup>th</sup> ed.). Oxford.

56. McKendrick, E. (2019). **Contract Law** (13<sup>th</sup> ed.). Red Globe Press.
57. Monaghan, N., & Monaghan, C. (2013). **Beginning Contract Law** (1<sup>st</sup> ed.). Routledge.
58. Monahan, G. (2001). **Essential Contract Law** (2<sup>nd</sup> ed.). Cavendish Publishing.
59. O'Sullivan, J. (2020). **O'Sullivan and Hilliard's the Law of Contract** (9<sup>th</sup> ed.). Oxford.
60. PEEL, E. (2015). **Treitel The Law of Contract** (14<sup>th</sup> ed.). Sweet & Maxwell.
61. Poole, J. (2016). **Casebook on Contract Law** (13<sup>th</sup> ed.). Oxford.
62. Richards, P. (2007). **Law of Contract** (8<sup>th</sup> ed.). Pearson Education Limited.
63. Rush, J., & Ottley, M. (2006). **Business Law**. Thomson.
64. Stewart, A., & Swain, W., & Fairweather, K. (2019). **Contract Law: Principles and Context**. Cambridge University Press.
65. Stone, R. (2009). **The Modern Law of Contract** (8<sup>th</sup> ed.). Routledge-Cavendish.
66. Stone, R. (2015). **Q&A Contract Law** (11<sup>th</sup> ed.). Routledge.
67. Taylor, R., & Taylor, D. (2019). **Contract Law Directions** (7<sup>th</sup> ed.). Oxford.
68. Turner, C. (2007). **Contract Law** (2<sup>nd</sup> ed.). Hodder Education.